



نظامنامه اساسی

دولت علیه افغانستان

در مطبع ریاست شرکت محترم "رفیق" واقع ماشینخانه دارالسلطنه کابل طبع شد

یوم شنبه (۱۶) برج دلو سنه ۱۳۰۵

تعداد طبع.....(۱۰۰۰) جلد



نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان

(۱):- دولت علیه افغانستان اداره امور داخله و خارجه خود را به استقلال تامه حائز بوده، همه محلات و قطعات مملکت بزیر امر و اراده سنیة ملوکانه بصورت یک وجود واحد تشکیل می یابد و بهیچ حیثیت در اجزای مملکت تفریق کرده نمی شود.

(۲):- دین افغانستان دین مقدس اسلامی و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب منیف حنفی است، دیگر ادیان اهل هنود، یهودی که در افغانستان هستند بتادیة جزیه و علامات ممیزه تابع بوده بشرطی که آسایش و آداب عمومی را اخلال نکنند نیز به تحت تأمین گرفته میشوند.

(۳):- پای تخت مملکت افغانستان شهر کابل است و اهالی تمامی مملکت افغانستان بالمساوی بنظر حکومت هستند که هیچ امتیازی اهالی شهر کابل نسبت بدیگر شهرها و قصبات مملکت محروسه افغانیه ندارند.

(۴):- بنابر خدمات فوق العاده اعلحضرت همایون که در راه ترقی و تعالی و استقلال ملت افغانیه ابراز نموده اند، ملت نجیبه افغانستان متعهد میشوند که سلطنت افغانستان به اولاد این پادشاه ترقیخواه افغانیان به اصول اولادیت به انتخاب اعلحضرت پادشاهی و اهالی ملت انتقال میشن و ذات ملوکانه در حین جلوس اریکه سلطنت بالمواجه اشراف و اهالی متعهد میشوند که مطابق شرع شریف و این نظامنامه اساسی اجرای اوامر حکومت نموده، استقلال افغانستان را رعایت و برای وطن و ملت خود صداقت نمایند.

(۵):- ذات حضرت پادشاهی خادم و حامی دین مبین اسلام و حکمدار و پادشاه عموم تبعه افغانستان است.

(۶):- امور مملکت بذریعه وزرای دولت که (باراده سنیه انتخاب و تعیین میشوند) اداره میشود، و هر کدام وزراء مسئول امور متعلقه شان شناخته میشوند، ازین سبب ذات همایونی غیر مسئول میباشند.

(۷):- در خطبه ها ذکر نام پادشاهی و ضرب سکه بنام پادشاه و تعیین رتب مناصب مطابق قوانین مخصوصه و اعطای نشان و انتخاب و تعیین صدراعظم و دیگر هیئت وزراء و عزل و تبدیل شان و تصدیق نظامات عمومی و اعلان مرعیت شان، و محافظه و اجرای احکام شرعیة و نظامیه و قوماندانی عموم قوای عسکری افغانستان و اعلان حرب و عقد

مصالحه و علی العموم معاهدات و عفو و تخفیف مجازات قانونیه عموماً یا خصوصاً از حقوق جلیله پادشاهی شمرده می شوند.

حقوق عمومی تبعه افغانستان

(۸):- همه افرادی که در مملکت افغانستان میباشند بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشوند، صفت تابعیت افغانیه مطابق نظامنامه مخصوصه استحصال و یا اضااعه کرده می شود.

(۹):- کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذهبی و نظامات سیاسی دولت علیه خود پابند و مقید بوده ازادی حقوق شخصی خود را مالک هستند.

(۱۰):- حریب شخصیه از هر گونه تعرض و مداخلت مصئونست، هیچ کس بدون امر شرعی و نظامات مقننه تحت توقیف گرفته و مجازات کرده نمیشوند، در افغانستان اصول اسارت بالکل موقوف است، از زن و مرد هیچکس دیگری را بطور اسارت استخدام کرده نمیتواند.

(۱۱):- مطبوعات و اخبار است داخلیه مطابق نظامنامه مخصوص آن آزاد میباشند، نشر اخبار فقط از حقوق حکومت و یا اهالی تبعه افغانیه است، درباره مطبوعات خارجه دولت علیه افغانستان بعضی شرائط و قیود نهاده میتواند.

(۱۲):- تبعه افغانستان مطابق نظامات موضوعه برای تجارت و صنعت و زراعت هرگونه شرکتها کرده میتوانند.

(۱۳):- تبعه افغانستان مفرداً یا مجتمعاً اگر خلاف شریعت غرا و یا نظامات دولت از طرف مأمورین یا دیگری حرکت و رفتاری ملاحظه کنند به ادارهای دولت عرض می کنند، اگر در دوائر حکومتی مرجوعه اش به بازخواست و استماع عرض شان پرداخت نکنند، علی الترتیب بمافوق شان استغاثه نمایند، در صورتیکه هیچیک بازخواست نکرد رأساً بحضور اشرف پادشاهی عرض نموده میتوانند.

(۱۴):- امر تدریس بالک آزادست، مطابق نصاب معارف عمومی هر فرد تبعه افغانستان عموماً بطور عمومی و خصوصی برای تدریسات مأذون و مجاز میباشند اما اشخاص اجنبی باستثنای نفری که برای تعلیم استخدام می شوند، بداخل مملکت افغانستان به افتتاح و اداره مکاتب مجاز نیستند.

(۱۵):- عموم مکاتب افغانستان در زیر نظارت و تفتیش حکومت میباشند، حکومت به همه اسباب و تدابیری که برای تربیه علمیه و ملیه همه تابع افغانستان بر سیاق انتظام و اتحاد میباشند نظر دقت می گیرد، اما اصول تعلیمیه که بامور اعتقادیه و مذهبی اهل ذمه و افراد مستأمنه تعلق دارد اخلاص کرده نمی شود.

(۱۶):- کافه تبعه افغانستان بحضور شریعت غرا و نظامات دولت در حقوق و وظائف مملکت حق مساوات دارند.

(۱۷):- عموم تبعه افغانستان به اندازه قابلیت و اهلیت شان در همه مأموریت ها به اندازه احتیاج دولت استخدام میشوند.

(۱۸):- مالیات و محصولات مقررہ مطابق نظامنامہ های مخصوصه برای تبعه افغانستان به نسبت ثروت و اقتدار شان تعیین و گرفته میشوند.

(۱۹):- در افغانستان هر شخص از مال و ملک خودش که در تصرف او باشد در امن میباشد، اگر یک ملکی بمقصد منافع عمومی بکار دولت شود موافق نظامنامہ مخصوصه آن اولاً قیمت آن را بصاحبش تأدیہ نموده، بعد ملک را گرفته میتوانند.

(۲۰):- مسکن و جای هر فرد تبعه افغانستان از هر گونه تعرض مصئونست و هیچ کس از طرف حکومت و سائره بدون احکام نظامات بخانه شخصی جبراً بلا استیذان داخل شده نمیتواند.

(۲۱):- در محاکمه عدیه عرض و داد عمومی مطابق شریعت و اصول محاکم حقوقیه و جزائیه فیصله کرده میشود.

(۲۲):- مصادره و بیگار بالکل ممنوع است، اما کار و تکالیفی که در زمان محاربه پیش شود مطابق نظامنامہ مخصوصه آن ازین قاعده مستثنی است.

(۲۳):- خارج نظامات دولت از هیچ کس چیزی گرفته نمی شود.

(۲۴):- شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوفست و خارج احکام شرع شریف و نظامات دولت که موافق احکام شرعی تنظیم یافته برای هیچکس مجازات داده نمیشود.

(وزراء)

(۲۵):- در افغانستان وظیفه اداره حکومت مفوض است به هیئت وزراء و اداره مستقله در حین اجتماع هیئت وزراء ریاست مجلس را ذات ملوکانه ایفا می نمایند، و اگر ذات شاهانه تشریف نداشته باشند، صدراعظم بوظیفه ریاست میپردازد، و اگر صدراعظم اثبات وجود نداشت، از جمله وزراء وزیر وزارت اول وظیفه ریاست را اجرا میدارد.

(۲۶):- وکیل که در حال غیاب یکی از وزراء تعیین میشود عیناً اختیارات و حقوق همان وزیر را داراست.

(۲۷):- در هر سال قبل جشن عمومی استقلال به یک روز مخصوصی که از طرف ذات شاهانه معین فرموده میشود در زیر ریاست شهریاری یک دربار عالی انعقاد خواهد یافت، دربار لور مرکب است از رجال مأمورین دولت و اکابر و اشرفیکه از طرف ذات شاهانه انتخاب شده باشند، در مواجهه آن هر وزیر و مدیر مستقله اجراءات و خدمات یکساله خودشانرا علناً بیان و ایضاح خواهد نمود.

(۲۸):- صدراعظم و دیگر وزراء از طرف قرین الشرف پادشاهی انتخاب و تعیین میشوند.

(۲۹):- مجلس وزراء مرجع امور مهمه داخلی و خارجی دولتست، مذاکرات مجلس وزراء و قرارداد هائی که محتاج تصدیق میشوند، بعد امضای اعلحضرت همایونی در معرض اجرا گذاشته میشوند.

(۳۰):- وزراء امورات مربوطه وزارت متعلقه خود را به اندازه که در حوصله اختیارات خودشان است اجراء و مافوق آنرا آنچه رأساً بحضور اشرف ملوکانه تقدیم میشود، بحضور اعلحضرت پادشاهی و آنچه موافق تفصیل لائحہ وظائف مجلس وزراء مواد متعلقه مجلس مذکور باشد به مجلس عالی وزرا تقدیم و القا مینمایند، مجلس وزراء در مواد مقدمه موافق نظامنامه مخصوصه مجلس وزراء مذاکره و مباحثه نموده حل و فصل و آراء خود را امضا می نمایند.

(۳۱):- هر یک از وزراء در سیاست عمومی دولت مشترکا و در امور مؤظفه وزارت متعلقه خود خصوصاً بحضور اشرف ملوکانه مسئول شناخته میشوند.

(۳۲):- در اموری که از حضور شاهانه به یکی از وزراء و یا دیگر مامورین امر شفاهی شود، احکام تحریری آنرا به امضای همایونی حاصل دارند.

(۳۳):- یکی از وزرای دولت اگر از روی وظیفه مأموریت شان تحت محاکمه گرفته شوند، محاکمه آنها به دیوان عالی عاید و راجع است، و اصول محاکمه شان موافق نظامنامه مخصوصه حل و فصل میگردد، و دیگر دعاوی شخصیّه وزراء که خارج وظیفه مأموریت شان باشد مانند سائر رعایا به محاکم عدلیه مراجعت مینمایند.

(۳۴):- وزیر که از طرف دیوان عالی تحت اتهام می آید الی نتیجه محاکمه و برائت شان از وظیفه وزارت معطل مینانند.

(۳۵):- مقدار وزارات و تشکیلات دوائر و وظائف شان در نظامنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته.

(مامورین)

(۳۶):- بالعموم مأمورین مطابق موادی که در نظامات مخصوصه ایضاح گردیده، بمأموریتهایی که الیق و مناسب باشند تعیین کرده میشوند، و هیچیک مأمورین تا زمانیکه از وظیفه خود مستعفی نشوند، و یا از سوء رفتار شان موجب عزل نگردند، و یا از طرف دولت بنا بر یک امر ضروری لازم تبدیل و موقوفی نباشند اصلاً عزل و موقوف نمی شوند، و مأمورینی که حسن سلوک و استقامت خدمت خودها را ابراز نمایند استحقاق ترقی رتبه و مأموریت و مستمری را دارند.

(۳۷):- وظائف مأمورین در نظامات مخصوصه تعیین و تفریق گردیده هر مأمور موافق نظامنامه های مخصوص از وظایف مؤظفه اش مسئول شناخته میشود.

(۳۸):- همه مأمورین علی المراتب در اطاعت امر مافوق شان موافق نظامات دولت مکلف و مؤظف هستند و اگر از طرف امر مافوق آنها در اجرای کدام امر خلاف نظامات دولت اصرار شود، مأمورین ماتحت شان بمرکز وزارت اطلاع نمایند، و هرگاه بدون اطلاع مرکز اوامر خلاف قانون را اجرا کنند، آنها نیز مسئول شناخته میشوند.

مجالس مشاوره و شورای دولت

(۳۹):- در مرکز داراسلطنه یک هیئت شورای دولت و در نایب الحکومه گی و حکومتی های اعلی و حکومتی های درجه اول و دوم و سوم و علاقه داری یک یک مجلس مشوره موجود است.

(۴۰):- اعضای مجالس مشاوره و شورای دولت از اعضای طبیعی و اعضای منتخبه مرکب میباشند.

(۴۱):- اعضای طبیعی مجالس مشاوره از مأمورینی که در نظامنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته تشکیل مییابد، و اعضای طبیعی شورای دولت بالمساوی تعداد اعضای منتخبه شوری رأساً از طرف قرین الشرف اعلحضرت همایونی منتخب و تعیین کرده میشوند، اعضای منتخبه تماماً از طرف اهالی معین و مقرر میشوند، در باب صور انتخاب آنها در نظامنامه تشکیلات اساسی مواد جداگانه موجود است.

(۴۲):- مجالس مشاوره و شورای دولت علاوه بر وظایفی که در نظامنامه تشکیلات اساسی نشان داده شده بوظائف ذیل مؤظف هستند:-

الف: برای ترقی صناعات، تجارت، زراعت، معارف، همه تکالیفی که لازم ببینند بدولت عرض مینمایند.

ب:- در خصوص مالیات و محصولات و دیگر معاملات حکومت اگر مخالف اصول نظامات معاینه نمایند بمقصد اصلاح اینچنین امور بحکومت عرض و الحاح نموده میتوانند.

ج:- اگر در حقوق که موافق این نظامنامه برای اهالی داده شده از یک طرف اخلال و اضاعه ملاحظه کنند در نزد حکومت صلاحیت عرض و استغاثه را دارند.

(۴۳):- فقراتی که مجالس مشاوره ولایات و محالات بحضور نایب الحکومه ها و حکام عرض تقدیم مینمایند، آنچه به اندازه اختیارات نایب الحکومه و حکام باشد خودشان اجراء و مافوق آنرا بوزارت متعلقه همان شعبه ارجاع میدارند، از وزارت منسوبه اش اگر لازم اجراء باشد اجرا نموده و الا بر وفق ماده (۳۰) تعمیل مینمایند و اگر مسئله مواد قانونیه باشد، بموجب قاعده (۴۶) این نظامنامه پردازند.

(۴۴):- در فقراتی که از مجالس مشاوره برای نایب الحکومه ها و حکام محلی عرض میشود و از جانب آنها الی یک ماه نتیجه و جوابی برای شان ظاهر نشود، مجالس مشاوره صلاحیت دارند که بشورای دولت عرض حوایج خود را بنمایند.

(۴۵):- شورای دولت فقراتی را که مجالس مشاوره شکایتاً می نویسند، رای خود را دران باب نوشته بوزارت متعلقه همان فقره اطلاع میدهد، اگر در اجراء آن از طرف وزارت معطلی واقع شود، شورای دولت آن فقره را تقدیم حضور همایونی میتواند.

(۴۶):- نظامات دولت از طرف شورای دولت تدقیق گردیده به مجلس وزراء تقدیم میشود، و بعد تصویب مجلس وزراء و منظوری حضور شاهانه در موقع اجراء میدرآید.

(۴۷):- علاوه بر اعضای طبیعی دائمی شورای دولت مأمورین ملکی از نایب الحکومه الی حکام اعلی و از منصبداران عسکری تا لوامشر که از مأموریت سبکدوش شده باشند، به استثنای اشخاصی که در تحت محاکمه بیابند در جمله اعضای طبیعی شورای دولت موقتاً الی تعیین مأموریت شان داخل شده میتوانند.

(۴۸):- بودجه سالانه را که بوزارت مالیه تنظیم و ترتیب میشود، مطابق نظامنامه بودجه عمومی بشورای دولت تدقیق مینمایند.

(۴۹):- مقاولات و تعهدات که با اجانب میشود از طرف شورای دولت مذاکره و تدقیق میگردد.

محاکم

(۵۰):- در محاکم عدلیه هر نوع محاکمات بطور علنی اجرا میشود.

بعضی فقراتی که در نظامنامه مخصوصه محاکم نشان داده شده محاکمه آنرا قاضی بطور خفیه اجرا کرده میتواند.

(۵۱):- در حضور محاکم هر کس برای محافظه حقوق خود همه وسائط مشروعه را پیشنهاد نموده میتواند.

(۵۲):- محاکم عدلیه در رؤیت و فیصله دعائی که داخل وظیفه شان باشد، تعطیل و ملاحظه کرده نمیتوانند.

(۵۳):- همه محاکم از هرگونه مداخلت آزادی هستند.

(۵۴):- ۰ صنف و درجات محاکم و صلاحیت شان به نظامنامه تشکیلات اساسی ایضاح یافته.

(۵۵):- هیچکس خارج محاکم عدلیه برای فیصله بعضی فقرات مخصوصه یک محکمه فوق العاده تشکیل داده نمیتواند.

دیوان عالی

(۵۶):- دیوان عالی خاص برای محاکمه وزرای دولت عندالاقضاء موقتاً تشکیل مییابد، و بعد ایفا و سرانجام نمودن کاری که به او سپرده شده فسخ میشود.

(۵۷):- طرز تشکل دیوان عالی و اصول محاکمه دران مطابق نظامنامه مخصوص آن اجرا میشود.

امور مالیه

- (۵۸):- همه محصولات دولت مطابق قانون مخصوص آن اخذ کرده میشود.
- (۵۹):- هر سال برای واردات و مصارفات دولت یک بودجه تنظیم کرده میشود و این بودجه برای واردات و مصارفات دولت اساس بوده، همه واردات و مصارف از روی آن اخذ و صرف میشود.
- (۶۰):- بعد از تطبیق و اجرای بودجه سالانه یک محاسبه قطعی تنظیم کرده میشود و این محاسبه قطعی مقدار حقیقی واردات و صرفیات این سال را حاوی میباشد.
- (۶۱):- برای تحقیق و تدقیق اینکه (آیا واردات و مصارفات دولت حقیقتاً موافق نظامنامه بودجه ایفا گردیده است یا نه) یک دیوان سنجش تشکیل مییابد (در خصوص دیوان سنجش نظامنامه مخصوص موجود است).
- (۶۲):- برای تنظیم محاسبه قطعی و برای تنظیم بودجه و صورت تطبیق و اجرای آن نظامنامه مخصوصه موجود است.

اداره ولایات

- (۶۳):- اصول اداره ولایات از سه قاعده اساسیه مبنی است توسیع مأثونیت، تفریق وظائف، تعیین مسئولیت بنابر قواعد مذکور همه وظائف مأمورین ولایات مطابق نکات، موضعه تعیین و تفریق کرده شده است، و اختیارات مأمورین نیز بر طبق نظامات مخصوصه محدود است، و هر مأمور در وظائف خود علی المراتب نزد مسئول مافوقش شناخته میشود.
- (۶۴):- در ولایات از هر شعبه وزارت مأمورین جداگانه مقرر هستند، افراد اهالی برای اجرای کار و انجام حوائج خود ابتداءً بمأمورین شعبات مراجعت نمایند.
- (۶۵):- اگر اجرای کار اهالی به ماموریتها نشود و یا درباره آنها مأمورین خلاف نظامات دولت رفتار نمایند، افراد اهالی از تعطیل کار و سوء رفتار آنها نزد آمر مافوق شان و عندالافتضاء نزد نایب الحکومه ها و حکام اعلی عرض و استغاثه کرده میتوانند.
- (۶۶):- تشکیل دوائر بلدییه و وظائف آن در نظامنامه مخصوص توضیح یافته.
- (۶۷):- هرگاه در یک حصه مملکت آثار عصیان و بغاوت که مغل امنیت عمومیه باشد حس کرده شود، دولت اعلان حکومت عسکریه مینماید، و اداره عسکریه تشکیل می یابد.

مواد متفرقه

(۶۸)- برای تبعه افغانستان درجه ابتدائیه تحصیل معارف حتمی و مجبوریست، درجات و تفرعات آن بیک نظامنامه مخصوص تعیین یافته که بر طبق آن معمول می شود.

(۶۹)- یک ماده این نظامنامه اساسی بهیچ سبب و حیثیت تعطیل و یا حکم اجرای آن ساقط نمی شود.

(۷۰)- بنابر ایجاب اگر از مواد مندرجه این نظامنامه اساسیه لزوم تغییر و تبدیل شود، بعد آرای ثلثان اعضای شورای دولت و تصویب مجلس عالی وزراء بحضور اشرف همایونی عرض میشود و بعد منظوری حضور شاهانه تغییر و تبدیل آن ممکن است.

(۷۱)- تشریح و تفسیر یک ماده این نظامنامه اساسی و دیگر نظامات دولت اگر لازم دیده شود، بشورای دولت حواله گردیده، بعد تصحیح و توضیح شورای دولت و تصویب مجلس عالی وزراء طبع و نشر میشود.

(۷۲)- در حین تنظیم نظامات معاملات اهالی و مقتضیات زمان مخصوصاً احکام شرعیه بنظر دقت گرفته میشود.

(۷۳)- مسئولیت مکاتیب یکی از حقوق اهالی است و همه مکاتیب و مراسلات محصولی اهالی که تودیع پوسته میشود تا از طرف یک محکمه جواز تجسس نشود، در هیچ پوسته خانه و دیگر جا باز کرده نمی شود و همچنان سربسته به مرسل الیه سپرده میشود.

مواد این نظامنامه اساسی که به اتفاق آراء وزرای دولت و تمامی وکلای ملت در مجلس "لویه جرگه" سمت مشرقی برای اساس دولت علیه افغانستان تصویب یافته، و هشتصد و هفتاد و دو نفر اعیان مجلس مذکور در موفقیت آن مهر و امضا کرده اند، و نیز در مجلس معظم "لویه جرگه" که بمه ماه سرطان ۱۳۰۳ در پغمان از علما و سادات و مشایخ و کلاء و رؤسای تمام مملکت افغانستان تشکیل یافته تصویب گردیده، منظور است.

ادخال آنرا در جمله نظامات دولت و اجرای احکام موادش را امر و اراده میکنم.

این ترجمه فارسی با اصل نظامنامه اساسی افغانی موافق است.